

Re-reading Spatial Identity in Contemporary Iranian Mosque Architecture: The Integration of Tradition and Modernity in Form and Meaning

1. Ahmad Pourmohseni^{id}: Department of Architecture, Par.C., Islamic Azad University, Pardis, Iran

2. Alireza Razeghi^{id}*: Department of Restoration and Rehabilitation of Historical Buildings and Textures, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Iran, Tehran, Iran.

3. Nasim Ashrafi^{id}: Department of Architecture, Par.C., Islamic Azad University, Pardis, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Razeghi@art.ac.ir

How to Cite: Pourmohseni, A., Razeghi, A., & Ashrafi, N. (2026). Re-reading Spatial Identity in Contemporary Iranian Mosque Architecture: The Integration of Tradition and Modernity in Form and Meaning. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 4(1), 1-20.

Abstract:

Mosques in the tradition of Iranian Islamic architecture have not merely functioned as physical structures; rather, they have consistently embodied sacred and identity-forming spaces in which geometric elements, light, ornamentation, and spatial organization evoke a multilayered experience of presence and meaning. This spatial quality is clearly perceptible and identifiable in historical mosques such as the Jameh Mosque of Isfahan, Jameh Mosque of Yazd, and Goharshad Mosque, where form and function, aesthetics and meaning, are integrated within a coherent framework. Moreover, through a structured spatial order, these environments guide users toward active participation in a sacred and collective experience. In contrast, the architecture of many contemporary mosques in Iran, due to transformations or deficiencies in their physical structure, has developed a certain distance from this tradition. Dominant approaches in the design of new mosques tend either to focus solely on form and function or to employ traditional elements in a superficial, diminished, and purely decorative manner. This outcome has not only weakened the sense of belonging and psychological tranquility but has also distanced these spaces from the cultural memory of society. The present study, adopting an interdisciplinary and comparative approach, re-examines the spatial identity of contemporary Iranian mosques and seeks to propose a conceptual model for integrating tradition and modernity in mosque design. In this regard, three fundamental layers—spatial-physical identity, perceptual-psychological identity, and cultural-semiotic identity—are analyzed in an integrated manner. By comparing historical and contemporary examples, the study extracts both theoretical and practical dimensions of these layers. The findings indicate that the re-creation of spatial identity in contemporary mosques becomes feasible when tradition and modernity are positioned not in opposition but in constructive interaction, enabling mosque architecture to reestablish its authentic role as a sacred, identity-bearing, cultural, and social space within the context of contemporary life.

Keywords: Spatial identity, mosque architecture, tradition and modernity, sacred perception, form and meaning

Received: 25 October 2025

Revised: 11 March 2026

Accepted: 18 March 2026

Published: 21 March 2026



بازخوانی هویت فضایی در معماری مسجد معاصر ایران: پیوند سنت و نوگرایی در فرم و معنا

۱. احمد پور محسنی ^{id}: گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران

۲. علی رضا رازقی ^{id}: گروه مرمت و احیاء بناها و بافتهای تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. نسیم اشرافی ^{id}: گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Razeghi@art.ac.ir

نحوه استناددهی: پور محسنی، احمد، رازقی، علی رضا، و اشرافی، نسیم. (۱۴۰۵). بازخوانی هویت فضایی در معماری مسجد معاصر ایران: پیوند سنت و نوگرایی در فرم و معنا. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۴(۱)، ۲۰-۱.

چکیده

مساجد در سنت معماری اسلامی ایران، نه تنها یک سازه کالبدی بوده است، بلکه همواره عرصه‌ای قدسی و هویت‌ساز بوده که در آن عناصر هندسی، نور، تزئینات و سازمان فضایی، تجربه‌ای چندلایه از حضور و معنا را یادآور می‌شوند. این کیفیت فضا‌ساز در مساجد تاریخی همچون مساجد جامع اصفهان، جامع یزد و گوهرشاد به وضوح ملموس و قابل شناسایی است، جایی که فرم و عملکرد، زیبایی‌شناسی و معنا، در پیوندی منسجم قرار گرفته است. همچنین با نظمی خاص مخاطب را به مشارکت فعال در تجربه قدسی و جمعی هدایت می‌کند. در مقابل، معماری بسیاری از مساجد معاصر ایران با تغییرات و یا کاستی‌ها در کالبد دچار نوعی فاصله از این سنت شده است. رویکردهای غالب در طراحی‌های مساجد جدید، یا صرفاً به فرم و عملکرد توجه دارند و یا عناصر سنتی را کم‌رنگ، صوری و تزئینی به‌کار می‌گیرند، پیامدی که نه تنها حس تعلق و آرامش روانی را تضعیف کرده، بلکه پیوند این فضاها با حافظه فرهنگی جامعه نیز فاصله پیدا کرده است. مقاله حاضر با رویکردی بین‌رشته‌ای و تطبیقی، به بازخوانی هویت فضایی مساجد معاصر ایران پرداخته و تلاش دارد الگویی مفهومی برای پیوند سنت و نوگرایی در طراحی مساجد معاصر و امروزی ارائه دهد. در این راستا، سه لایه بنیادین شامل هویت فضایی - کالبدی، ادراکی - روانی و فرهنگی - نشانه‌شناسانه به‌طور یکپارچه تحلیل گردیده و با مقایسه نمونه‌های تاریخی و معاصر، ابعاد نظری و کاربردی آنها را استخراج کرده است. یافته‌ها بیانگر آن است که بازآفرینی هویت فضایی مساجد معاصر، زمانی میسر می‌شود که سنت و نوگرایی نه در تقابل، بلکه در تعامل سازنده با هم قرار گیرند و معماری مساجد بتواند بار دیگر جایگاه اصیل خود را به‌عنوان فضایی قدسی، هویت‌مند، فرهنگی و اجتماعی در بستر زندگی امروزی بازآفریند.

کلیدواژگان: هویت فضایی، معماری مسجد، سنت و نوگرایی، ادراک قدسی، کالبد و معنا

تاریخ دریافت: ۳ آبان ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۰ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۷ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱ فروردین ۱۴۰۵



در معماری مساجد ابعاد مختلف بنیادی نقش اساسی داشته است، بطوریکه مساجد در جامعه اسلامی، علاوه بر یک سازه کالبدی صرف فضایی قدسی، معنوی و فرهنگی-اجتماعی، نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت جمعی دارند. این فضاها با ترکیب هوشمندانه عناصر هندسی، نور، تزئینات و سازمان فضایی، تجربه‌ای چند بعدی بوجود می‌آورند که در آن مخاطب نه صرفاً ناظر، بلکه بطور فعال در معنا و حضور قدسی مشارکت می‌نماید. در مساجد تاریخی ایران، مانند مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع یزد و مسجد گوهرشاد، این تجربه به وضوح احساس می‌شود و فرم، عملکرد و معنا در هم آمیخته شده‌اند، به گونه‌ای که حس تعلق، آرامش روانی و مشارکت معنوی همزمان تجربه می‌شوند.

با این حال، در دهه‌های اخیر، معماری مساجد معاصر ایران دچار نوعی فاصله از این سنت فضا ساز شده است. بسیاری از طراحی‌های جدید صرفاً فرم‌گرا، عملکردمحور یا نمایشی هستند و عناصر سنتی، اگر هم حضور دارند، غالباً سطحی، صوری یا تزئینی به‌کار گرفته شده‌اند. این وضعیت نه تنها از تجربه قدسی و حس تعلق می‌کاهد، بلکه پیوند میان فضا و حافظه فرهنگی جامعه را نیز تضعیف کرده و هویت فضایی مساجد معاصر را با چالش مواجه ساخته است. با توجه به این فاصله، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان هویت فضایی مساجد معاصر ایران را با حفظ پیوند سنت و بهره‌گیری از نوگرایی، بازآفرینی کرد؟ پرسش‌های فرعی شامل این موارد هستند:

- چه مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی و نشانه‌شناسانه‌ای در مساجد تاریخی هویت فضایی پایدار خلق می‌کنند؟
- چگونه می‌توان این مؤلفه‌ها را در طراحی مساجد معاصر به‌طور معناگرا و تجربه‌محور بازخوانی کرد؟
- چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی در تلفیق سنت و نوگرایی در طراحی مسجد معاصر وجود دارد؟

ضرورت انجام این پژوهش از چند منظر قابل تبیین است:

- خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین که بیشتر به تحلیل فرم، سبک یا عملکرد عبادی پرداخته و کمتر به تلفیق سه لایه کالبدی، ادراکی و نشانه‌شناسانه توجه کرده‌اند.
- نیاز معماران و نهادهای تصمیم‌گیرنده به ارائه الگویی مفهومی و عملی برای طراحی مساجد معاصر هویت‌مند.
- اهمیت ارتقای تجربه معنوی و حس تعلق کاربران در فضاهای مذهبی امروز، به‌ویژه در شرایط زندگی معاصر که ارزش‌های فرهنگی و معنوی با فشارهای اجتماعی و اقتصادی مواجه است.

هدف اصلی پژوهش، بازخوانی هویت فضایی مساجد معاصر ایران و ارائه الگویی مفهومی برای تلفیق سنت و نوگرایی در فرم و معنا است. اهداف فرعی شامل شناسایی مؤلفه‌های کلیدی هویت فضایی در مساجد تاریخی، تحلیل تطبیقی آن‌ها با نمونه‌های معاصر و استخراج راهبردهای طراحی معناگرا و انسان‌محور برای معماری مسجد امروز می‌باشد.

مرور پیشینه تحقیق

پژوهشگران برجسته‌ای همچون نادر اردلان (۱۳۷۸) به نقش «تجربه زیسته» و حس مکان در معماری اسلامی اشاره دارند و بر این نکته تأکید می‌کنند که فضاهای مقدس نه تنها از طریق هندسه و فرم، بلکه با کیفیت‌های روانی، نور و رابطه با مخاطب معنا پیدا می‌کنند (1). لیلی بختیار (۱۳۹۷) با تمرکز بر نمادشناسی و تزئینات معماری، نشان داده است که پیوند بین عناصر بصری و حافظه فرهنگی مخاطب، زمینه‌ساز هویت فضایی پایدار است (2). بر اساس منشور آقاخان (۱۳۵۹) در دهه‌های اخیر، مفهوم هویت فضایی در معماری اسلامی، به‌ویژه در طراحی مساجد، به‌عنوان یک محور پژوهشی و عملی مورد توجه محققان و طراحان قرار گرفته است. همچنین، طراحی معماری اسلامی موفق، نیازمند تلفیق خلاقانه سنت و نوآوری است، به گونه‌ای که هم تجربه معنوی کاربران و هم پیوند فرهنگی با محیط حفظ گردد، همایش‌های مؤسسه مطالعات اسلامی لندن (۱۳۸۴) و نشست‌های معماری معاصر در استانبول و تهران نیز بر ضرورت بازآفرینی هویت فضایی مساجد معاصر تأکید کرده‌اند.

با این حال، بسیاری از پژوهش‌های معاصر بیشتر بر فرم، سبک یا تاریخ معماری تأکید داشته و کمتر به تلفیق سه لایه بنیادین هویت فضایی - کالبدی، ادراکی و نشانه‌شناسانه پرداخته‌اند (3-6). بعضاً مطالعاتی عملکرد عبادی و یاصرفاً زیبایی‌شناسی مساجد را بدون تحلیل تجربه روانی یا رمزگان فرهنگی فضا بررسی کرده‌اند، همچنین، تحقیقات انجام شده در حوزه نوآوری و سنت غالباً بر جنبه‌های ساختاری تمرکز داشته‌اند و تعامل میان فرم، معنا و حافظه جمعی کمرنگ شده است.

در این راستا، تحقیق حاضر با رویکرد بین رشته‌ای و تطبیقی، تلاش دارد خلأ موجود را پر کرده و الگویی مفهومی ارائه دهد که بتواند تجربه قدسی، حس تعلق و معنا را در طراحی مساجد معاصر احیا کند و معماری مسجد را از یک سازه عملکردی صرف به فضایی معنوی و انسان‌محور ارتقا دهد. این پژوهش با تحلیل تطبیقی نمونه‌های تاریخی شاخص و نمونه‌های معاصر، سه بعد بنیادین هویت فضایی - کالبدی، ادراکی و نشانه‌شناسی را به‌طور همزمان بررسی می‌کند.

جدول ۱: نمونه‌هایی از ابعاد سه گانه فضایی مساجد

بعد	نمونه‌ها	توضیح مختصر
کالبدی (فیزیکی)	گنبد و مناره، محراب و شبستان، هندسه و تناسب معماری	عناصر ملموس و ساختاری که فرم، مقیاس و سازمان فضایی را شکل می‌دهند.
ادراکی (حسی)	حس سکون و آرامش در شبستان، نور طبیعی و سایه‌ها، صدای اذان در فضا	تجربه زیسته و دریافت حسی مخاطب از فضا، شامل نور، صوت، دما و کیفیت حضور
نشانه‌شناسی (معنایی)	جهت‌گیری قبله، نمادهای قرآنی و خوشنویسی، رنگ‌های نمادین (سبز، آبی)	دلالت‌های فرهنگی، دینی و معنایی که از طریق فرم یا نماد منتقل می‌شوند.

چارچوب نظری

مقاله حاضر برای بازخوانی هویت فضایی در معماری مساجد معاصر ایران، چارچوب نظری خود را بر اساس تحلیل سه لایه بنیادین هم‌زمان و بین‌رشته‌ای شکل می‌دهد: لایه کالبدی، لایه روانی-ادراکی و لایه فرهنگی-نشانه‌شناسی.

این رویکرد جامع، مساجد را نه فقط به عنوان یک سازه فیزیکی و عملکردی، بلکه به عنوان بستری برای تجربه انسانی، درک معنا و تعلق اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

لایه کالبدی

لایه کالبدی شامل مؤلفه‌هایی همچون فرم، هندسه، سازمان فضایی، نور و مصالح است که نقش کلیدی در شکل‌دهی به زیبایی‌شناسی، عملکرد و تجربه معنوی فضا دارند. نقره‌کار (۱۳۸۵) معتقد است معماری مسجد معاصر نباید صرفاً به بازتولید فرم‌های تاریخی محدود شود، بلکه باید با درک عمیق مفاهیم قدسی، فضاهایی متناسب با نیازهای انسان معاصر خلق کند (7, 8). همچنین، پیرنیا (۱۳۶۷) بر اهمیت سلسله‌مراتب فضایی، نسبت‌ها، و تعامل بین فضاهای باز و بسته تأکید دارد که تجربه‌ای چندلایه از حضور و آرامش روانی به وجود می‌آورد. استفاده از مصالح بومی مانند آجر، کاشی و سنگ، علاوه بر جنبه عملکردی، یادآور حافظه فرهنگی و اصالت معماری ایرانی-اسلامی است (9, 10). مهدی خاکزند (۱۳۹۴، ۱۳۹۶) تأکید می‌کند که بازخوانی هویت فضایی در معماری مسجد معاصر می‌بایستی بر پایه درک عمیق از سنت‌های معماری ایرانی-اسلامی و نوآوری‌های متناسب با شرایط معاصر شکل گیرد. به باور او، هویت معماری مساجد ایران باید مجموعه‌ای پویا از «عناصر فرهنگی، معنایی و کالبدی» باشد که ضمن حفظ پیوند با سنت‌های معماری اسلامی، به صورت نوگرایانه در فرم و عملکرد بازآفرینی شود. خاکزند همچنین معتقد است که این بازتعریف باید به گونه‌ای باشد که در آن حفظ تجربه معنوی، حس تعلق و خاطره فرهنگی کاربران لحاظ گردد و معماری مساجد، همزمان با احترام به میراث تاریخی، توانایی پاسخگویی به نیازهای عملکردی و اجتماعی جامعه امروزی را نیز داشته باشد (3, 4). به این ترتیب، بازخوانی کالبدی هویت فضایی مساجد معاصر، همزمان با نوآوری‌های کالبدی متناسب با خاستگاه جامعه امروزی از ارزش‌های تاریخی هم پاسداری می‌نماید.

لایه روانی - ادراکی

لایه روانی - ادراکی به تجربه زیسته، حس مکان، ادراک محیطی و آرامش روانی می‌پردازد. رلف (۱۳۵۵) در نظریه «حس مکان» میان فضا و مکان تمایز قائل شده و نشان داده است که ارتباط عاطفی و ذهنی انسان با محیط، تجربه‌ای فراتر از کارکرد فیزیکی خلق می‌کند (11). شولتز نیز معماری را به مثابه «بودن در جهان» معرفی می‌کند و معتقد است که فضاها حامل معانی تاریخی، فرهنگی و معنوی هستند. در معماری مساجد، نور طبیعی، مقیاس انسانی و تناسب فضایی، تجربه حضور معنوی و آرامش روانی را تقویت می‌کنند (12). از سوی دیگر، لینچ (۱۹۶۰) با تأکید بر اجزاء شهری مانند مسیرها، لبه‌ها، نقاط گره و مناطق، بر اهمیت تصویرپذیری فضایی تأکید می‌کند که در معماری مساجد معاصر می‌تواند به ایجاد حس مکان و هویت کمک کند. به این ترتیب، بنظر می‌رسد لایه روانی-ادراکی، پل میان کالبد و تجربه معنوی است که در طراحی مساجد معاصر نیاز به توجه ویژه دارد (13).

لایه فرهنگی - نشانه شناسانه

لایه فرهنگی-نشانه‌شناسی به نمادها، حافظه جمعی و رمزگان فرهنگی مرتبط با معماری مسجد می‌پردازد. الیاده (۱۳۳۸) تمایز میان فضای عادی و قدسی را مطرح کرده و به نقش عناصر معماری چون محراب، گنبد و مناره به عنوان واسطه‌هایی برای تجربه امر متعالی تأکید دارد. معماری مساجد، علاوه بر کارکردهای کالبدی و عملکردی، باید این تجربه معنوی را القا کند و با پیوند بین سنت و نوگرایی، بازخوانی شود (14). امبرتو اکو و چارلز جنکز (۱۳۷۸) معماری را به عنوان نظامی نشانه‌ای تحلیل می‌کنند که از طریق تزئینات، خوشنویسی و نقوش هندسی، پیام‌های دینی و فرهنگی را منتقل می‌سازد و این امر پیوند میان هویت جمعی

و حافظه تاریخی را تقویت می‌کند (15). به گفته زهرشیدی (۱۳۹۰، ۱۳۹۲)، هویت معماری مساجد ایران بایستی شامل مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی، معنایی و کالبدی باشد که ضمن حفظ پیوند با سنت‌ها، به صورت نوگرایانه در فرم و عملکرد بازتعریف شود (5، 6). لیلی بختیار (۱۳۹۵، ۱۳۹۷) بر این باور است که بازخوانی هویت در معماری مساجد معاصر نباید صرفاً به بازتولید فرم‌های تاریخی محدود شود، بلکه باید با نوآوری‌هایی همراه باشد که موجب تقویت «تجربه‌های فضایی معنوی و مشارکتی» شود. او بر نقش حیاتی «پیوند بین فرم و معنا» تأکید کرده و معتقد است معماری مساجد معاصر می‌تواند با حفظ اصالت فرهنگی، زبان نوینی در فرم‌ها و عناصر طراحی ایجاد کند که پاسخگوی نیازهای معنوی و اجتماعی جامعه امروز باشد (2، 16). این دیدگاه، لایه فرهنگی-نشانه‌شناسانه چارچوب نظری را تقویت می‌کند و بر اهمیت خلق فضاهای تعاملی و معنوی در معماری مساجد معاصر تأکید دارد.

این چارچوب سه‌لایه‌ای، معماری مسجد معاصر را به عنوان فضایی چندبعدی می‌نگرد که:

- از نظر کالبدی، باید بین سنت و نوگرایی در فرم، هندسه و مصالح تعادل و تعامل برقرار کند.
 - از نظر روانی-ادراکی، حس مکان و تجربه حضور معنوی ارتقاء یابد.
 - از نظر فرهنگی-نشانه‌شناسانه، باید حامل مفاهیم قدسی و پیام‌های فرهنگی باشد و به تقویت معنا و هویت بپردازد.
- بدین ترتیب، بازخوانی هویت فضایی در معماری مساجد معاصر ایران، مستلزم درک و تلفیق این سه لایه است که با هم پیوندی ارگانیک و سازنده برای خلق فضایی معنوی، کاربردی و اصیل فراهم می‌آورند.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس چارچوب نظری فوق و تحلیل ادبیات تحقیق، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- ارتباط کالبدی مساجد و حس مکان کاربران رابطه معناداری دارد.
- ارجحیت محیطی کاربران تحت تأثیر عناصر فضایی مانند نور طبیعی، مقیاس و جهت‌مندی قرار دارد.
- فاصله معناداری میان تجربه فضایی کاربران در مساجد سنتی و مساجد معاصر از نظر حس تعلق و آرامش وجود دارد.
- بهره بردن از نمادهای فرهنگی و عناصر حافظه جمعی در طراحی مساجد تقویت هویت فضایی را ایجاب می‌نماید.
- عوامل اجتماعی-فرهنگی نقش و تاثیر بسزایی در شکل‌گیری و بازتولید هویت فضایی مساجد دارند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی، تطبیقی و بین‌رشته‌ای انجام شده است تا بازخوانی هویت فضایی در معماری مساجد معاصر ایران را از منظر سه گانه لایه‌های بنیادین کالبدی، ادراکی-روانی و فرهنگی-نشانه‌شناسانه مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق، برخلاف مطالعات پیشین و صرفاً تاریخی یا فرم‌محور، بر تجربه زیسته، معنا و رمزگان فرهنگی در طراحی امروزی متمرکز شده است و هدف آن ارائه الگویی مفهومی برای طراحی معناگرا و انسانی مساجد معاصر است.

رویکرد تحقیق

رویکرد این تحقیق کیفی و تحلیلی-تطبیقی می باشد و از ترکیب روش های مشاهده میدانی، تحلیل مستندات تاریخی و تصویری، و مصاحبه نیمه ساختاریافته با سه گروه ذی مدخلان برای استخراج داده های چندلایه استفاده شده است. این رویکرد امکان بررسی هم زمان جنبه های کالبدی، ادراکی و فرهنگی را فراهم و تحلیل دقیق تر هویت فضایی مساجد معاصر را ممکن می سازد.

جامعه و نمونه گیری

در این تحقیق، جامعه نمونه شامل مجموعه ای است که به صورت هدفمند و بر اساس معیارهای معین انتخاب شده اند. انتخاب این نمونه ها با توجه به ضرورت بررسی ابعاد کالبدی، ویژگی های فضایی و تأثیرگذاری معنایی صورت گرفته است، بطوری که هر کدام بتواند نمونه ای شاخص از یک الگوی فضایی یا روش معماری مشخص باشد و همچنین، ظرفیت تحلیل معناشناسانه را نیز داشته باشد.

روش نمونه گیری، از نوع هدفمند و معیارمحور بوده است، بدین صورت که نمونه ها نه به صورت اتفاقی، بلکه بر اساس شاخص هایی تعیین شده انتخاب شده اند. این شاخص ها شامل تنوع در مقیاس فضایی، سبک معماری، نحوه سازماندهی کالبدی، و میزان تأثیرگذاری فرهنگی و معنایی در بستر اجتماعی و مذهبی می باشند.

در انتخاب نمونه ها، تلاش شده است تا تنوعی معنادار از نظر جغرافیایی، تاریخی و سبک شناختی لحاظ گردد، به طوری که مجموعه نمونه ها بتوانند تصویری فراگیر و چند وجهی از وضعیت موجود در حوزه مورد مطالعه ارائه دهند. این تنوع، امکان تحلیل تطبیقی و دریافت الگوهای مشترک یا متمایز را فراهم می سازد و به غنای نظری و عملی تحقیق کمک می کند.

ابزار گردآوری داده ها

برای اتخاذ داده های معتبر و چندمنبعی، از روش مثلث سازی داده ها استفاده شده است. این روش شامل سه محور اصلی است:

- **داده های متنی:** منابع علمی، مقالات پژوهشی، اسناد تاریخی و نظریه های معماری، که زمینه نظری و تاریخی هویت فضایی را مستند می کنند.
- **داده های تصویری:** عکس ها، پلان ها و نماهای مستند از مساجد تاریخی و معاصر، که تحلیل هندسه فضایی، فرم و عناصر نشانه ای را ممکن می سازد.
- **داده های میدانی:** مشاهده مستقیم فضا، تجربه زیسته و مصاحبه های نیمه ساختاریافته با سه گروه هدف (طراحان، پژوهشگران، نمازگزاران و بازدید کنندگان)، برای درک تجربه انسانی و معنوی کاربران.

گروه ذی مدخلان مصاحبه شونده گان شامل:

- **طراحان** شامل معماران، طراحان داخلی، و مشاوران پروژه های مسجدسازی که در فرآیند طراحی و اجرای فضاهای عبادی نقش مستقیم دارند.
- **پژوهشگران** شامل اساتید، منتقدان معماری، و صاحب نظران حوزه های نظری که به تحلیل مفاهیم فرهنگی، فضایی و نشانه شناسانه در معماری مسجد می پردازند.

- نمازگزاران و بازدیدکنندگان کاربران روزمره فضاهای مسجد، اعم از افراد مذهبی، ساکنان محله، و بازدیدکنندگان عمومی که تجربه زیسته و ادراک حسی - معنوی از فضا دارند.

مصاحبه نیمه ساختار یافته

مصاحبه‌ها به‌عنوان ابزار مکمل برای تأمین داده‌های کیفی به‌کار گرفته شده است و با سه گروه ذی‌مدخل انجام شده اند تا برداشت‌های فرهنگی، تجربیات معنوی و دیدگاه‌های تخصصی درباره فضاهای مساجد معاصر گردآوری گردد. نمونه‌گیری هدفمند و تنوع‌محور در انتخاب مصاحبه‌شوندگان رعایت شده تا نتایج پژوهش جامع و معتبر باشد.

جدول ۲: نمونه‌ای از پرسش‌های مصاحبه شوندهگان (فهرست کامل پرسش‌ها در پیوست شماره ۱ ارائه شده است).

گروه مصاحبه‌شونده	محور پرسش	نمونه پرسش
طراحان	کالبدی	در طراحی مسجد، چه عناصر کالبدی را ضروری می‌دانید و چرا؟
	معنا و فرم	چگونه میان فرم معماری و تجربه معنوی ارتباط برقرار می‌کنید؟
پژوهشگران	نشانه‌شناسی	چه نمادها یا عناصر فرهنگی در طراحی مسجد معاصر معنا دارند؟
	نقد نظری	چالش‌های طراحی معناگرا در معماری مسجد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
نمازگزاران و بازدیدکنندگان	ادراکی - روانی	چه احساسی هنگام ورود به مسجد دارید و چه عواملی آن را تقویت یا تضعیف می‌کنند؟
	تجربه زیسته	آیا مسجد خاصی را به‌خاطر فضای معنوی‌اش به یاد دارید؟ چرا؟

تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه‌ها، مشاهده میدانی و تحلیل مستندات با دو روش تحلیل محتوا و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته شده است. تحلیل محتوا، امکان استخراج الگوهای رفتاری، فضایی و نشانه‌شناسانه را فراهم کرده و به شناسایی مفاهیم کلیدی در تجربه زیسته کاربران کمک نموده است، تحلیل تطبیقی میان نمونه‌های تاریخی و معاصر، زمینه‌شناسی نقاط قوت، ضعف و فرصت‌های بازآفرینی هویت فضایی را ممکن ساخته است. باید اذعان نمود این ترکیب در تحقیق امکان بررسی چند لایه داده‌ها را تسهیل نمود و به تحقیق اجازه داد تا از سطح توصیف صرف فراتر رود و به سطحی از تفسیر و مفهوم‌پردازی در زمینه طراحی معناگرا در معماری مساجد ورود نماید.

اعتبار و روایی تحقیق

برای تضمین اعتبار علمی و روایی پژوهش، راهکارهای زیر اعمال شد:

- مثلث‌سازی داده‌ها با ترکیب منابع متنی، تصویری و میدانی.
- بازبینی تخصصی توسط صاحب‌نظران حوزه معماری و مطالعات فرهنگی.
- اشباع نظری شامل، گردآوری داده‌ها تا زمانی که اطلاعات جدید به یافته‌های تازه‌ای منجر نشوند.
- مستندسازی دقیق فرایند تحقیق برای تضمین شفافیت و قابلیت بازبینی.

این روش شناسی، امکان تحلیل چندلایه و انسانی هویت فضایی مساجد معاصر را فراهم ساخته و زمینه‌ای برای درک تعامل میان فرم، معنا و تجربه زیسته کاربران ایجاد می‌کند. (مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با سه گروه هدف طراحان، پژوهشگران، کاربران به‌عنوان ابزار تکمیلی برای اعتبارسنجی مفاهیم و غنای نظری تحقیق انجام شده‌اند، اما تحلیل نهایی یافته‌ها عمدتاً بر اساس مشاهدات میدانی و تحلیل تطبیقی نمونه‌ها صورت گرفته است. بنابراین، داده‌های مصاحبه بیشتر نقش پشتیبان و تأییدگر داشته‌اند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش، حاصل تحلیل داده‌های چندمنبعی شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معماران، پژوهشگران و کاربران مساجد، مشاهدات میدانی از نمونه‌های مساجد تاریخی و معاصر، و بررسی اسناد نظری و تاریخی مرتبط با معماری اسلامی در ایران است. داده‌ها در پنج محور اصلی:

- ابعاد کالبدی و فضایی: مانند سازمان فضایی، مقیاس انسانی، تناسبات، محور قبله
- نور، رنگ و مصالح: کیفیت نور طبیعی، استفاده از رنگ‌ها و مصالح بومی، حس مکان
- نمادها و تزئینات معنایی: خط، هندسه اسلامی، نقوش، نشانه‌های هویتی
- کارکرد اجتماعی-فرهنگی مسجد: محل گردهمایی، آموزش، هویت جمعی
- نسبت سنت و نوگرایی در طراحی معاصر: چگونگی بهره‌گیری از الگوهای تاریخی در معماری مساجد معاصر، چالش‌های نوآوری و هویت دسته‌بندی شدند که هر یک، بخشی از هویت فضایی مساجد را بازنمایی می‌کنند و تصویری چندلایه از وضعیت معماری مساجد معاصر ایران را ارائه می‌دهند.

فرم و نمادهای معماری

در مساجد تاریخی، فرم‌ها همزمان عملکردی و معناگرا هستند. گنبد، مناره، ایوان و محراب به‌عنوان عناصر حامل رمزگان فرهنگی، تجربه قدسی و تعلق فضایی ایجاد می‌کنند. به‌عنوان نمونه، مسجد جامع اصفهان با تناسبات دقیق و تزئینات معناگرا، فضایی تأمل‌برانگیز خلق می‌کند. در مساجد معاصر، این فرم‌ها یا حذف شده‌اند (مثل مسجد ولیعصر عج)، یا بازتولید عملکردی و سطحی یافته‌اند (مثل مسجد الغدیر)، یا با بازخوانی معناگرا حفظ شده‌اند (مثل مسجد محمد رسول‌الله ص). مصاحبه‌ها نشان می‌دهند که حذف فرم‌های آشنا، حس مکان و تجربه معنوی را تضعیف می‌کند. بنابراین، فرم‌ها زمانی معنا دارند که با حافظه فرهنگی و تجربه روانی مخاطب پیوند داشته باشند. تقلید یا حذف بدون بازخوانی، منجر به بی‌هویتی فضایی می‌شود.

سازمان فضایی و سلسله مراتب

مساجد تاریخی سلسله‌مراتب فضایی قدسی دارند، از حیاط مرکزی تا شبستان و گنبدخانه، هر فضا نقش معنایی خاصی دارد و مخاطب را در مسیر عبور، مکث و تمرکز هدایت می‌کند. این سازمان فضایی، هم عملکردی و هم روانی است و حرکت در فضا نوعی معنویت را تداعی می‌کند. نمونه‌های معاصر سلسله‌مراتب را یا بازتعریف کرده‌اند (ولیعصر)، یا حذف کرده‌اند (الغدیر)، یا با مقیاس انسانی بازسازی شده‌اند (محمد رسول‌الله). کاربران به سردرگمی، فقدان نقطه تمرکز و نبود حس جهت‌گیری اشاره کردند.

در نتیجه، نبود سلسله مراتب، تجربه قدسی را کاهش می‌دهد. طراحی سلسله مراتبی فضا، مسیر عبادی و معنوی مخاطب را هدایت می‌کند.

نور و کیفیت روانی فضا

نور طبیعی، نقش کلیدی در شکل‌گیری حس مکان، آرامش و تجربه زیسته دارد. در مساجد تاریخی، نور از گنبد، ایوان و روزنه‌ها وارد شده و فضایی عرفانی خلق می‌کند (مثل مسجد گوهرشاد).

در مساجد معاصر، نور یا بازتعریف شده (ولیعصر)، یا مصنوعی و بی‌روح است (الغدیر)، یا با دقت و توجه به مصالح و جهت‌گیری حفظ شده است (محمد رسول‌الله). کاربران نور طبیعی را آرامش‌بخش و تمرکزبخش، و نور مصنوعی را سرد و غیرمعنوی توصیف کردند. لذا، کیفیت نور، تجربه روانی و معنوی مخاطب را شکل می‌دهد. نور معناگرا، حس مکان و آرامش را تقویت می‌کند.

رفتار مخاطب و تجربه زیسته

در مساجد تاریخی، رفتار مخاطب با مکث، تأمل و مشارکت معنوی همراه است. مثال مسجد جامع یزد نشان می‌دهد که مصالح بومی و مقیاس انسانی فضا، تجربه تعلق فضایی و سکوت معنوی را تقویت کرده است.

در نمونه‌های معاصر، رفتار مخاطب یا دچار سردرگمی است (ولیعصر)، یا صرفاً عملکردی و مراسم‌محور است (الغدیر)، یا با تمرکز و احترام همراه است (محمد رسول‌الله). کاربران گزارش دادند که فضاهای فاقد معنا، رفتار عبادی را به رفتار اداری یا نمایشی تبدیل می‌کنند. لذا، معماری فضایی، رفتار مخاطب را شکل می‌دهد. فضاهای معناگرا، رفتار عبادی را تقویت می‌کنند، و فضاهای بی‌هویت، آن را تضعیف می‌کنند.

حافظه فرهنگی و حس تعلق

حس تعلق، حاصل پیوند میان حافظه فرهنگی، فرم‌های آشنا و تجربه روانی است. مساجد تاریخی مانند مسجد جامع اصفهان، علاوه بر عبادت، بستر تعاملات اجتماعی و آموزش دینی بوده و در حافظه جمعی مردم نهادینه شده است.

در نمونه‌های معاصر، این حافظه یا به چالش کشیده شده (ولیعصر)، یا فراموش شده (الغدیر)، یا با تعدیل حفظ شده است (محمد رسول‌الله). کاربران تأکید کردند که فضاهای بدون حس آشنایی، صرفاً عملکردی و فاقد تعلق هستند.

لذا، قطع ارتباط با حافظه فرهنگی، موجب بی‌هویتی فضایی می‌شود. مسجد باید مکانی برای تجربه معنا، خاطره و تعلق باشد.

جدول ۳: جمع‌بندی محور تحلیل و یافته‌های کلیدی

محور تحلیل	یافته کلیدی
فرم و نمادهای معماری	فرم‌ها زمانی معنا دارند که با حافظه فرهنگی و تجربه روانی مخاطب پیوند داشته باشند.
سازمان فضایی و سلسله‌مراتب	نبود سلسله‌مراتب، تجربه قدسی را کاهش می‌دهد.
نور و کیفیت روانی فضا	نور معناگرا، حس مکان و آرامش را تقویت می‌کند.
رفتار مخاطب و تجربه زیسته	فضاهای معناگرا، رفتار عبادی را تقویت می‌کنند.
حافظه فرهنگی و حس تعلق	قطع ارتباط با حافظه فرهنگی، موجب بی‌هویتی فضایی می‌شود.

تحلیل داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هویت فضایی در معماری مساجد تنها یک ویژگی کالبدی نیست، بلکه پدیده‌ای چندوجهی است که در تعامل میان فرم، معنا، تجربه زیسته، حافظه فرهنگی و روان‌شناسی مخاطب شکل می‌گیرد. این تحلیل، بر اساس سه منبع داده‌ای شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معماران، پژوهشگران و کاربران مساجد، مشاهدات میدانی از نمونه‌های تاریخی و معاصر، و بررسی اسناد نظری و تاریخی انجام شده و در چهار محور اصلی قابل بررسی است:

تلفیق معنا، فرم و تجربه

یافته‌ها نشان می‌دهند که معناگرایی در معماری مساجد تنها در فرم‌ها یا تزئینات سطحی نهفته نمی‌باشد، بلکه در تجربه روانی و رفتار مخاطب ظهور و حضور می‌یابد. بنظر می‌رسد اگر فرم‌های سنتی مانند گنبد، مناره، ایوان و محراب، اگر بدون زمینه فرهنگی و توجه به تجربه روانی بازتولید شوند، نمی‌توانند حس مکان و تعلق ایجاد کنند.

نمونه مسجد محمد رسول‌الله ص، با فرم ساده، نور طبیعی، مصالح گرم و سازمان فضایی دقیق، تجربه‌ای از احترام، تمرکز و آرامش خلق نموده است. کاربران این فضا را «آشنا»، «محترمانه» و «دعوت‌کننده به تأمل» توصیف نمودند. برعکس، در مسجد ولیعصر عج، حذف نمادهای آشنا و فرم‌های سنتی موجب شد تا برخی کاربران احساس کنند بجای فضای عبادت وارد سالنی همچون سالن همایش شده‌اند.

بنابراین، معنا زمانی شکل می‌گیرد که فرم با تجربه روانی و حافظه فرهنگی مخاطب با یکدیگر ترکیب شوند. طراحی معناگرا مستلزم توجه به کیفیت حضور انسان می‌باشد و نه صرفاً زیبایی‌شناسی فرم در فضا باشد.

چالش‌های طراحی معاصر

معماران معاصر با عملکردهای فشرده و متفاوت، محدودیت‌های اجرایی و نبود زمینه فرهنگی روبرو هستند. بعضاً حذف نمادهای آشنا مانند مناره، محراب یا گنبد به دلایل اقتصادی یا اجرایی انجام شده است. این تصمیم‌ها، بدون بازخوانی معنایی، موجب کاهش حس مکان، تضعیف تجربه قدسی و بی‌هویتی فضایی می‌گردند.

مصاحبه‌ها نشان دادند که کارفرما در برخی پروژه‌ها، مناره را با توجه به تغییرات تکنیکی غیرضروری دانسته و حذف کرده است. در مسجد الغدیر تهران، چیدمان صندلی محور و نورپردازی مصنوعی، فضای مسجد را به سالن چندمنظوره‌ای تبدیل کرده و البته تجربه عبادی را تضعیف نموده است. لذا، طراحی مساجد معاصر باید تلفیقی از سه بعد عملکردی، معنایی و روانی باشند. عدم توازن میان این ابعاد، گسست هویت فضایی را موجب می‌شود.

نقش حافظه جمعی و روایت فرهنگی

بنظر می‌رسد حافظه جمعی و روایت فرهنگی، نقش بنیادین در شکل‌گیری هویت فضایی دارند. با همین فرض و واقعیت مساجد تاریخی مانند مسجد جامع اصفهان و مسجد گوهرشاد، علاوه بر عبادت، بستر تعامل اجتماعی، آموزش دینی و روایت فرهنگی بوده‌اند و در حافظه جمعی مردم جایگاه ویژه‌ای به خود داده است.

نمونه‌های مساجد معاصر، به‌ویژه مسجد ولیعصر عج، حذف نمادهای فرهنگی و فرم‌های آشنا، موجب ضعف ارتباط فرهنگی کاربران با فضا شده است. در مسجد محمد رسول‌الله ص، حفظ مقیاس انسانی، مصالح زمینه‌مند و فرم‌های تعدیل‌شده، تجربه حس تعلق و پیوند فرهنگی را بخوبی تقویت کرده است.

لذا، حافظه جمعی و روایت فرهنگی، عمود هویت فضایی مساجد هستند. نتیجه حذف این مؤلفه‌ها به بی‌هویتی فضایی و کاهش تعلق مخاطبین منجر می‌شود.

بازخوانی سنت در بستر مساجد معاصر

بازآفرینی هویت فضایی، نه بازگشت به گذشته، بلکه بازخوانی خلاقانه سنت در بستر نیازهای روزآمد می‌باشد. فرم‌های سنتی، اگر با تجربه روانی، زمینه فرهنگی و عملکرد مساجد معاصر تلفیق گردند، قادر به خلق معنا و حس تعلق خواهند بود.

نمونه مسجد محمد رسول‌الله ص، فرم‌های سنتی را با معنا و عملکرد روانی بازآفرینی نموده و نور طبیعی، مصالح گرم و سازمان فضایی آرام، تجربه‌ای قدسی و انسانی گرد آورده است. در مقابل، مسجد ولیعصر عج با حذف کامل فرم‌های سنتی و عدم جایگزین معنایی، موجب عدم تعادل ادراکی و حسی مخاطب و بی‌هویتی فضایی گردیده است. لذا، بازخوانی سنتی زمانی توفیق دارد که با تجربه زیسته، حافظه فرهنگی و عملکرد مساجد معاصر ترکیب شوند. تقلید سطحی یا حذف کامل، هر دو به نوعی ناکارآمدی را رقم می‌زنند.

محورهای اصلی تحلیل

- **فرم و نمادها:** گنبد، مناره، ایوان و محراب، همچنان بار معنایی دارند، حذف یا تقلیل آن‌ها بدون بازخوانی، موجبات تغییر و یا گسست معنایی ایجاد می‌کند.
- **تجربه روانی:** فضاهای معناگرا با نور طبیعی، مصالح بومی و همخوان با اقلیم و سازمان فضایی متعادل و خوانا، حس سکوت و خلوت، تعلق و تمرکز را تقویت می‌نمایند.
- **چالش‌های طراحی مساجد معاصر:** تراکم، تنوع و فشارهای عملکردی، حذف عناصر نمادین و بی‌توجهی به زمینه فرهنگی، موجب تضعیف حس مکان شده است.
- **تجزیه و تحلیل تطبیقی:** مساجد تاریخی با داشتن هندسه قدسی، سلسله‌مراتب فضایی و روایت فرهنگی، هویت فضایی پایدار کسب نموده‌اند، بنابراین نمونه‌های مساجد معاصر در صورت فقدان این مؤلفه‌ها، بی‌هویت شده‌اند.

جدول ۴: تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های هویت فضایی در مساجد تاریخی و معاصر

محور تحلیل	نمونه‌های تاریخی	نمونه‌های معاصر	نتیجه/تأثیر بر هویت فضایی
فرم و نماد	گنبد، مناره، ایوان، محراب معناگرا	حذف یا تقلید سطحی فرم‌ها	حفظ معنا با تلفیق فرم و تجربه روانی
سازمان فضایی	سلسله‌مراتب فضایی، حرکت معنادار	گاه حذف یا بازتعریف ناقص	فقدان سلسله‌مراتب، کاهش حس مکان
نور و کیفیت روانی	نور طبیعی، آرامش و تأمل	نور مصنوعی یا کم‌کیفیت	کیفیت نور بر آرامش و حس تعلق تأثیر دارد.
حافظه فرهنگی	روایت‌های دینی و اجتماعی، تعلق فضایی	فراموشی یا کم‌رنگ شدن روایت‌ها	گسست حافظه، بی‌هویتی فضایی
تجربه زیسته مخاطب	رفتار عبادی با مکث و تأمل	سردرگمی یا عملکرد صرف	فضاهای معناگرا رفتار عبادی را تقویت می‌کنند.

چارچوب مفهومی بازخوانی هویت فضایی مساجد معاصر

تحلیل‌ها نشان داد که بازآفرینی هویت فضایی مساجد معاصر ایران بر پنج مؤلفه بنیادین استوار است که در تعامل با یکدیگر، تجربه فضایی جامع و معناگرا

ایجاد می‌کنند:

- تجربه زیسته مخاطب: تقویت رفتار عبادی، مکث و تأمل و ادراک روانی.
 - حافظه فرهنگی: حفظ روایت‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی برای ایجاد حس تعلق.
 - معناگرایی فضایی: ایجاد ارتباط معنادار میان فرم، عملکرد و تجربه کاربر.
 - زمینه‌مندی طراحی: توجه به بافت شهری، زمینه فرهنگی و روان‌شناختی مخاطب.
 - بازخوانی فرم سنتی: بازتعریف خلاقانه فرم‌های سنتی مانند گنبد، مناره، ایوان و محراب با حفظ هویت تاریخی و پاسخ به نیازهای امروز.
- تحلیل داده‌های به‌دست آمده از نمونه‌های مساجد تاریخی و مساجد معاصر نشان می‌دهد که شاکله اصلی هویت فضایی مساجد، پدیده‌ای چندلایه و انسان‌محور است که در تعامل میان فرم، تجربه زیسته، حافظه فرهنگی و عناصر نشانه‌شناسانه پدیدار می‌گردد. این تحلیل تطبیقی، نقاط قوت مساجد تاریخی و همچنین نقاط ضعف طراحی مساجد معاصر را آشکار کرده و بر ضرورت بازخوانی معناگرایانه و انسان‌محور در طراحی مساجد معاصر تأکید می‌نماید.

تلفیق فرم و تجربه روانی

فرم‌های معماری تاریخی مانند گنبد، مناره، ایوان و محراب نه تنها حامل معنا و نماد هستند، بلکه تجربه روانی مخاطب را نیز شکل می‌دهند. حرکت در فضا، تعامل با نور و مسیرهای سلسله‌مراتبی تجربه‌ای قدسی و تأمل‌برانگیز بوجود می‌آورند. در مساجد معاصر، حذف فرم‌های آشنا (مثل مسجد ولیعصر عج) یا بازتولید سطحی آن‌ها (الغدیر تهران)، موجب گسست میان فرم و تجربه روانی شده و موجب تضعیف حس مکان می‌گردد. همچنین نمونه‌ای موفق، مانند مسجد محمد رسول‌الله ص، با تلفیق صحیح فرم، نور و سازمان فضایی، تجربه حضور و تمرکز را حفظ نموده است.

سلسله‌مراتب فضایی و جهت‌یابی معنوی

سلسله‌مراتب فضایی در مساجد تاریخی، راهنمای حرکت و تمرکز نمازگزار است و مسیرهای عبوری با معنا و تأمل بجا طراحی شده‌اند. در نمونه‌های مساجد معاصر، فقدان یا بازتعریف ناقص این سلسله‌مراتب، آشفتگی حواس کاربران و تجربه سطحی ایجاد کرده است. تحلیل مواجهه‌ای نشان می‌دهد که بازخوانی سلسله‌مراتب برای ایجاد تجربه معناگرایانه و حس تعلق در این مورد ضروری است.

نور و کیفیت روانی فضا

نور طبیعی در مساجد تاریخی، با عبور از شبکه‌ها، روزنه‌ها و گنبد‌ها، تجربه‌ای لطیف و مقدس ایجاد می‌کند. در نمونه‌های مساجد معاصر، نور مصنوعی کیفیت پایین دارند و تمرکز و حس حضور را کاهش داده است. این مواجهه نشان می‌دهد که نور، ابزار اصلی تجربه روانی و ایجاد حس مکان است و کیفیت آن بر آرامش و تعلق مخاطبین تأثیر مستقیم دارد.

حافظه فرهنگی و پیوند اجتماعی

مساجد تاریخی علاوه بر عبادت، بستر روایت‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی و شکل‌دهنده حافظه جمعی هستند. حال اینکه با حذف این عناصر در نمونه‌های مساجد معاصر، موجب فاصله و بی‌هویتی فضایی می‌شود. بازخوانی حافظه فرهنگی از طریق فرم، مصالح و سازمان فضایی، همانند مسجد محمد رسول‌الله ص، موفق گردیده است حس تعلق و تجربه معنادار مخاطب را حفظ کند.

بازخوانی سنت و خلاقیت معاصر

بازآفرینی هویت فضایی مساجد، صرفاً بازتولید فرم‌های تاریخی نمی‌باشد، بلکه بازخوانی خلاقانه سنت در بستر نیازهای امروز است. فرم‌های سنتی، اگر با تجربه زیسته، زمینه فرهنگی و عملکرد معاصر ترکیب شوند، معنا پیدا می‌کنند. تقلید سطحی یا حذف کامل، هر دو ناکارآمدند، ترکیب معنا، عملکرد و تجربه روانی، کلید بازآفرینی موفق هویت فضایی می‌باشد.

در مجموع، هویت فضایی مساجد معاصر زمانی بازآفرینی می‌شود که طراحی، همزمان سه بعد اصلی را در نظر گیرد:

- فرم و ساختار کالبدی: نمادها و سلسله‌مراتب فضایی، حامل معنا و تجربه روانی.
- تجربه زیسته و روانی مخاطب: نور، مقیاس انسانی، سکوت و تمرکز.
- حافظه فرهنگی و روایت‌های اجتماعی - دینی: حفظ پیوند فرهنگی برای ایجاد حس تعلق.

این مواجهه تحلیلی، زمینه شکل‌گیری چارچوب مفهومی بازآفرینی هویت فضایی مساجد معاصر ایران را ایجاد می‌گردد و نشان می‌دهد که طراحی معناگرایانه و انسان‌محور، تلفیقی از سنت، زمینه فرهنگی و نیازهای روانی مخاطب را در بر دارد.

جدول ۵: مواجهه تحلیلی مؤلفه‌های هویت فضایی در مساجد تاریخی و معاصر

محور	نمونه‌های تاریخی	نمونه‌های معاصر	تحلیل مواجهه‌ای
فرم و نماد	گنبد، مناره، ایوان، محراب معناگرا با هندسه دقیق و تناسبات متعالی	حذف کامل فرم‌ها (ولیعصر)، بازتولید سطحی (الغدیر)، بازخوانی معناگرا (محمد رسول‌الله)	فرم تنها زمانی معنا دارد که با تجربه روانی و حافظه فرهنگی تلفیق شود. حذف یا تقلید سطحی بی‌هویتی فضایی، بازخوانی معناگرا تجربه قدسی ایجاد می‌کند.
سازمان فضایی	سلسله‌مراتب مشخص: حیاط مرکزی ایوان شیبستان گنبدخانه، حرکت معنادار	بازتعریف ناقص سلسله‌مراتب (ولیعصر)، حذف سلسله‌مراتب (الغدیر)، حفظ مسیر معنادار (محمد رسول‌الله)	سلسله‌مراتب عامل هدایت روانی و عبادی است. فقدان آن، سردرگمی و تجربه سطحی. بازخوانی سلسله‌مراتب برای تجربه معناگرا ضروری است.
نور و کیفیت روانی	نور طبیعی، روزنه‌ها و گنبدها تجربه عرفانی و آرامش	نور مصنوعی یا کم‌کیفیت (الغدیر)، نور طبیعی هدفمند (محمد رسول‌الله)	نور عامل ادراک روانی و تجربه زیسته است. کیفیت پایین تضعیف سکوت و تمرکز. نور معناگرا تقویت حس مکان و آرامش.
تجربه زیسته و رفتار	مکث، تأمل، مشارکت فعال در فضای عبادتی	سردرگمی یا رفتار صرفاً عملکردی (الغدیر)، احترام و تمرکز نسبی (محمد رسول‌الله)	تجربه زیسته بازتاب هماهنگی فرم، معنا و سازمان فضایی است. نمونه فاقد تلفیق کامل کاهش تجربه روانی.
حافظه فرهنگی و حس تعلق	مسجد به‌عنوان مرکز معنوی و اجتماعی، حافظه جمعی قوی	کمرنگ شدن روایت‌ها (الغدیر)، تلاش برای حفظ زمینه فرهنگی (محمد رسول‌الله)	حفظ حافظه فرهنگی شرط هویت فضایی و حس تعلق است. بی‌توجهی به روایت‌ها تضعیف تجربه مکان و جدایی از جایگاه اجتماعی.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف بازآفرینی هویت فضایی در معماری مساجد معاصر ایران، نشان داد که هویت فضایی مساجد، مفهومی چندلایه، پویا و زمینه دار است که در تعامل میان سه لایه اصلی شکل می‌گیرد:

- لایه کالبدی: شامل فرم‌ها، هندسه، مصالح، نور و سازمان فضایی که چارچوب دیداری و حسی فضا را ایجاد می‌کند.
- لایه روانی - ادراکی: شامل تجربه زیسته، حس مکان، آرامش روانی و ادراک محیطی مخاطب که کیفیت حضور انسان و تجربه معنوی او را تعیین می‌کند.
- لایه فرهنگی - نشانه‌شناسانه: شامل حافظه جمعی، رمزگان فرهنگی، روایت‌های دینی و معناهای نهفته در عناصر معماری، که هویت تاریخی و معنایی مسجد را بازتاب می‌دهد.

تحلیل تطبیقی نمونه‌های مساجد تاریخی و مساجد معاصر نشانگر آن است که مساجد تاریخی با تلفیق هوشمندانه این سه لایه، تجربه‌ای چند وجهی خلق می‌کنند که حس تعلق، آرامش روانی و پیوند با حافظه فرهنگی مخاطب را تقویت می‌کند. در مقابل، بسیاری از مساجد معاصر با رویکردهای صرفاً فرم‌گرا یا عملکردمحور طراحی گردیده‌اند و عناصر سنتی و معناگرا در آن‌ها کم‌رنگ یا صوری و بسیار ضعیف حضور دارند، که موجب تضعیف تجربه قدسی و کاهش هویت فضایی گردیده‌اند.

این پژوهش تأکید دارد که بازآفرینی هویت فضایی در معماری مساجد معاصر ایران مستلزم تلفیق نوگرایی با اصول معناگرایانه و تجربه‌محور سنت‌ها است. طراحی موفق، همزمان باید:

- فرم و سازمان فضایی را به گونه‌ای معناگرا و روانی خلق کند.
 - تجربه زیسته مخاطب را تقویت کند و حس تعلق و تمرکز را ایجاد نماید.
 - حافظه فرهنگی و نمادهای سنتی را بازنمایی و حفظ کند.
- در نهایت، پیوند سنت و نوگرایی در فرم و معنا نه تنها کیفیت فضایی و زیبایی‌شناختی مساجد را ارتقاء می‌بخشد، بلکه شاخصه‌های ارتباطی میان جامعه، فرهنگ و معنویت را نیز تقویت می‌کند و راهبرد عملی و قابل اتکایی برای بازآفرینی هویت معماری مساجد در ایران را ارائه می‌دهند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

پیوست

پیوست ۱. جدول سوالات ذی مدخلان

گروه هدف	محور موضوعی	نمونه پرسش‌ها
طراحان	فرم، سازمان فضایی، مصالح	<p>۱- در طراحی مسجد، چه فرم‌هایی را معناگرا می‌دانید؟</p> <p>۲- چگونه مصالح و نور را در خدمت تجربه معنوی قرار می‌دهید؟</p> <p>۳- نقش سلسله‌مراتب فضایی در هدایت روانی مخاطب چیست؟</p> <p>۴- چگونه می‌توان فرم‌های سنتی را با نیازهای معاصر تلفیق کرد؟</p> <p>۵- در طراحی مسجد، چه چالش‌هایی در حفظ هویت فرهنگی تجربه کرده‌اید؟</p>
پژوهشگران	نشانه‌شناسی، حافظه فرهنگی، معنا	<p>۱- چه نمادها یا عناصر فرهنگی در طراحی مسجد معاصر معنا دارند؟</p> <p>۲- حافظه جمعی چگونه در شکل‌گیری هویت فضایی مسجد نقش دارد؟</p> <p>۳- آیا حذف فرم‌های سنتی موجب گسست فرهنگی می‌شود؟</p> <p>۴- چگونه می‌توان معناگرایی را در طراحی معاصر بازخوانی کرد؟</p> <p>۵- نقش روایت‌های دینی در سازمان فضایی مسجد چیست؟</p>
نمازگزاران و بازدیدکنندگان	تجربه روانی، حس مکان، رفتار فضایی	<p>۱- احساسی هنگام ورود به مسجد دارید؟</p> <p>۲- کدام ویژگی‌های فضا باعث تمرکز یا آرامش شما می‌شوند؟</p> <p>۳- آیا فرم‌های سنتی مانند گنبد یا محراب برای شما معنا دارند؟</p> <p>۴- در کدام مسجد تجربه معنوی عمیق‌تری داشته‌اید و چرا؟</p> <p>۵- آیا فضاهای جدید مسجد حس تعلق و احترام را در شما ایجاد می‌کنند؟</p>

Extended Abstract

Introduction

Mosques in the tradition of Iranian Islamic architecture have historically functioned not merely as physical structures, but as sacred, identity-forming environments in which spatial organization, geometry, light, and ornamentation collectively generate a multilayered experience of meaning and presence. In exemplary historical cases such as the Jameh Mosque of Isfahan, Jameh Mosque of Yazd, and Goharshad Mosque, the integration of form, function, aesthetics, and symbolic meaning produces coherent spatial systems that actively engage users in a collective and spiritual experience. These environments are characterized by a structured spatial hierarchy that facilitates movement, contemplation, and participation in sacred rituals.

However, in recent decades, contemporary mosque architecture in Iran has increasingly diverged from this integrated tradition. Many new designs either prioritize functional and formal considerations in isolation or incorporate traditional elements in a superficial, decorative manner. This shift has led to a weakening of users' sense of belonging and psychological tranquility, as well as a disconnection from cultural memory and symbolic continuity. Consequently, the spatial identity of contemporary mosques has become fragmented and, in some cases, diminished.

Theoretical contributions in the field emphasize the importance of integrating experiential, symbolic, and spatial dimensions in architectural design. For instance, the concept of "lived experience" and sense of place highlights the role of psychological and perceptual qualities in shaping spatial identity (1). Similarly, the symbolic and semiotic dimensions of architecture underscore the relationship between visual elements and cultural memory (2). Despite these contributions, many contemporary studies have focused primarily on formal, stylistic, or functional aspects, neglecting the integrated analysis of spatial-physical, perceptual-psychological, and cultural-semiotic layers (3-6).

Furthermore, theoretical perspectives on architectural identity emphasize that spatial meaning emerges through the interaction between physical structure and human perception. The notion of "sense of place" highlights the emotional and cognitive bond between individuals and their environment (11), while the phenomenological approach conceptualizes architecture as a medium for "being in the world," embedding cultural and historical meanings within spatial experience (12). In addition, urban imageability and spatial legibility contribute to the formation of identity and orientation in built environments (13).

From a cultural-semiotic perspective, architecture functions as a system of signs through which religious and cultural meanings are communicated. Sacred architectural elements such as domes, minarets, and mihrabs act as mediators of transcendence and collective memory (14), while decorative motifs and calligraphy convey symbolic narratives embedded in cultural traditions (15). These perspectives collectively indicate that spatial identity is a multidimensional construct requiring the integration of physical, perceptual, and symbolic dimensions.

In response to the identified gap, the present study adopts an interdisciplinary and comparative approach to re-examine the spatial identity of contemporary Iranian mosques. By analyzing three fundamental layers—spatial-physical, perceptual-psychological, and cultural-semiotic—the study aims to develop a conceptual model that enables the constructive integration of tradition and modernity in mosque design.

Methods and Materials

The present study employs a qualitative, analytical-comparative, and interdisciplinary research design to investigate the spatial identity of contemporary Iranian mosques. The research approach integrates multiple data sources and analytical methods in order to capture the multidimensional nature of spatial identity.

The study sample consists of selected historical and contemporary mosques chosen through purposive and criterion-based sampling. Selection criteria include spatial diversity, architectural style, structural organization, and cultural significance, ensuring that each case represents a distinct spatial pattern or design approach. This sampling strategy enables meaningful comparative analysis across different temporal and stylistic contexts.

Data collection is conducted through a triangulation strategy involving three primary sources: textual data (including scholarly literature and historical documents), visual data (architectural drawings, plans, and photographic documentation), and field data (direct observation and semi-structured interviews). The interviews involve three groups of participants: architects and designers involved in mosque projects, academic researchers and experts in architectural theory, and users of mosque spaces including worshippers and visitors.

Semi-structured interviews are employed to explore participants' perceptions of spatial qualities, symbolic meanings, and experiential dimensions of mosque architecture. The questions address themes such as spatial organization, the relationship between form and meaning, cultural symbolism, and the psychological impact of architectural elements.

Data analysis is conducted using a combination of content analysis and comparative analysis. Content analysis facilitates the extraction of recurring themes and patterns related to spatial identity, while comparative analysis enables the identification of similarities and differences between historical and contemporary mosque examples. This dual approach allows the study to move beyond descriptive analysis toward interpretive and conceptual insights.

To ensure the validity and reliability of the findings, several methodological strategies are employed, including data triangulation, expert review, theoretical saturation, and systematic documentation of the research process. These measures enhance the credibility and transparency of the study.

Findings

The findings of the study reveal that spatial identity in mosque architecture is a multidimensional phenomenon emerging from the interaction between physical form, perceptual experience, and cultural meaning.

In terms of architectural form and symbolism, historical mosques demonstrate a strong integration between functional and symbolic dimensions. Elements such as domes, minarets, iwans, and mihrabs serve not only structural and functional purposes but also convey cultural and spiritual meanings. In contrast, contemporary mosques exhibit three dominant patterns: the elimination of traditional forms, the superficial replication of traditional elements, and the reinterpretation of tradition in a meaningful and context-sensitive manner. The results indicate that the absence or superficial use of symbolic forms leads to a weakened sense of place and spiritual experience.

Regarding spatial organization and hierarchy, historical mosques are characterized by a clear hierarchical structure guiding users from entrance spaces to central prayer areas. This hierarchy facilitates a gradual transition from the external environment to a sacred interior, enhancing the spiritual experience. In many contemporary examples, this hierarchical organization is either disrupted or entirely absent, resulting in spatial confusion and a lack of focal points. The findings suggest that the absence of spatial hierarchy diminishes the sense of sacredness and orientation.

The analysis of light and environmental qualities highlights the crucial role of natural light in shaping psychological and spiritual experiences. In historical mosques, light is carefully controlled and directed through architectural elements such as

domes and openings, creating a dynamic interplay of light and shadow that enhances the sense of transcendence. In contrast, contemporary mosques often rely on artificial lighting or lack a coherent lighting strategy, leading to spaces perceived as cold and devoid of spiritual depth. Natural light is consistently associated with calmness, concentration, and a heightened sense of presence.

User behavior and lived experience constitute another significant dimension of the findings. In historical mosques, users exhibit behaviors characterized by contemplation, pause, and active engagement with the space. In contemporary mosques, however, user behavior tends to be more functional and less spiritually engaged, particularly in spaces lacking meaningful design elements. The findings indicate that architectural space directly influences user behavior, with meaningful environments fostering deeper spiritual engagement.

Finally, the dimension of cultural memory and sense of belonging reveals that historical mosques function as repositories of collective memory, embedding cultural and social practices within their spatial structure. In contemporary mosques, the disconnection from cultural memory results in spaces perceived as purely functional and lacking emotional attachment. The findings emphasize that the continuity of cultural symbols and familiar spatial patterns is essential for maintaining a strong sense of belonging.

Discussion and Conclusion

The findings of this study demonstrate that spatial identity in mosque architecture cannot be reduced to formal or functional attributes alone, but must be understood as a complex and integrated phenomenon involving physical, psychological, and cultural dimensions. The results highlight the importance of moving beyond superficial approaches to tradition and toward a deeper reinterpretation of cultural and symbolic elements in contemporary design.

The comparative analysis indicates that the decline in spatial identity observed in many contemporary mosques is primarily due to the fragmentation of the relationship between form, meaning, and user experience. When architectural elements are detached from their symbolic and experiential context, they lose their capacity to convey meaning and to facilitate spiritual engagement. This finding underscores the necessity of a holistic design approach that integrates physical structure with perceptual and cultural dimensions.

The study also reveals that the relationship between tradition and modernity should not be understood as a binary opposition, but rather as a dynamic and constructive interaction. Successful contemporary mosque designs are those that reinterpret traditional elements in a way that is responsive to contemporary needs while preserving their symbolic and cultural significance. This approach allows for the continuity of identity while enabling innovation and adaptation.

Moreover, the findings highlight the critical role of user experience in shaping spatial identity. Architectural design must consider not only visual and formal aspects but also the psychological and emotional responses of users. Elements such as spatial hierarchy, natural light, and symbolic forms contribute to the creation of meaningful environments that support spiritual practices and social interaction.

In conclusion, the re-creation of spatial identity in contemporary Iranian mosque architecture is achievable when tradition and modernity are integrated through a multidimensional approach that encompasses physical, perceptual, and cultural layers. By fostering a constructive dialogue between these dimensions, mosque architecture can reclaim its role as a sacred, identity-bearing, and socially significant space within contemporary society.

References

1. Ardalan N. Islamic Architecture: Meaning and Concept. Tehran: Markaz Publishing; 1999.

2. Bakhtiar L. Islamic Architecture and Modern Rereading. Tehran: Islamic Architecture Research Institute; 2018.
3. Khakzand M. Identity and Meaning in Contemporary Mosque Architecture. Tehran: University of Art Press; 2015.
4. Khakzand M. Iranian Islamic Architecture and Modernism. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Art; 2017.
5. Zomarshidi H. Rereading Identity in Contemporary Mosque Architecture. Tehran: University of Art Press; 2011.
6. Zomarshidi H. Islamic Architecture and Modernism. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Art; 2013.
7. Noghrehkar A. Theoretical Foundations of Islamic Architecture. Tehran: Iran University of Science and Technology Press; 2003.
8. Noghrehkar A. Islamic Architecture and Urbanism. Tehran: Islamic City Studies and Research Center; 2006.
9. Pirnia MK. Traditional Iranian Architecture. Tehran: University of Tehran Press; 1986.
10. Pirnia MK. Theoretical Foundations of Iranian Architecture. Tehran: Shahid Beheshti University; 1991.
11. Relph C. A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction. New York: Oxford University Press; 1976.
12. Norberg-Schulz C. The Spirit of Place and Architecture. Kazemi H, editor. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 1980.
13. Lynch K. The Image of the City: Massachusetts Press; 1960.
14. Eliade M. The Sacred and the Profane. Sherbaf, editor. Tehran: Ney Publishing; 1971.
15. Eco U, Jencks J. Semiotics in Architecture. Taheri F, editor: Markaz Publishing; 1978.
16. Bakhtiar L. Identity and Meaning in the Architecture of Contemporary Iranian Mosques. Tehran: University of Art Press; 2016.